

دو رویداد قابل توجه

امیر فیض- حقوقدان

۱- رای هیئت منصفه بر محکومیت ایران

۲- مشکل دریافت پول صادرات محصولات پتروشیمی از چین

نظریه اینکه موضوع دعوی بازماندگان حوادث تروریستی در لبنان علیه جمهوری اسلامی بخواسته مطالبه خسارت در آمریکا مورد بحث و نقد تحریرات سال ۲۰۱۴ تحت عنوان <تصمیم دادگاه مبنی بر فروش آسمانخراش بنیاد پهلوی>^۱ قرار گرفت اکنون که پرونده مزبور با رای هیئت منصفه به مرحله نهائی رسیده است ورود به موضوع بدور از مشی تحریرات نیست.

❁❁ کیس دادگاه (ادعای دادستان) آمریکا متوجه دومورد بود یکی پولشویی که در رابطه با گروه اقدام مالی مطرح بود که جمهوری اسلامی هم آنرا پذیرفته و دیگری اتهام عمل تروریستی در لبنان بوده است.

اتهام پولشویی با همکاری و اظهارات رئیس بنیاد علوی آقای فرشید مجاهد در نیویورک. فرشید مجاهد متهم بود که پس از دریافت اخطاریه از دادستان نیویورک بخشی از اسناد را آتش زده و امحا کرده است اتهامی که بوسیله شهادت شهود به اثبات رسیده است. آقا مجاهد در دادگاه اعتراف به گناه کرده و گفته است <واقعا از گناه خود شرمنده ام> و دادگاه بمناسبت همکاری او با کشف حقیقت از تخفیف قابل ملاحظه او را بهره مند ساخت.

مراحل مزبور که در واقع کلیه حکم دادگاه است سبب شد که در کنار ادعای وکلای شاکیان دادگاه و هیئت منصفه مسیر محکومیت جمهوری اسلامی را انتخاب کنند.

اتهام مشارکت در عملیات لبنان

اما موضوع ارتباط ترور و مشارکت در اعمال تروریستی جمهوری اسلامی در لبنان و غیره، دادستان نیویورک به هیچ دلیلی نرسید، الا قانون اساسی جمهوری اسلامی که کمک به مواضع تروریستی را نه تنها تائید و در مقام تکلیف دولت جمهوری اسلامی میدانست بلکه جمهوری اسلامی راسا و عملا نیز نشان داده که در مقام اجرای اصل و تکلیف مزبور در قانون اساسی خود جدی است و از آن دفاع هم میکند.

بوی باروت طیانچه

مثلی است که میگویند: <بوی باروت بهترین دلیل استفاده از طیانچه است> وقتی دلیل عینی بر وجود متهم در دست نباشد بوی باروت اسلحه متهم یکی از قرآئن ارتباط جرم با متهم است. این بوی باروت

همان است که از قانون اساسی جمهوری اسلامی بلند شده است و هر مستتقی با ملاحظه قانون اساسی جمهوری اسلامی و روابط سیاسی اش با آمریکا ممکن است بخود حق بدهد که جمهوری اسلامی را متهم اصلی و یا معاون جنایت بداند مگر اینکه جمهوری اسلامی بتواند اتهام را از خود رد کند که به دلیل وجود همان اصل در قانون اساسی جمهوری اسلامی کاری بسیار مشکل است و نتیجه این میشود که جنایت مزبور بدون عامل بوده است و این قابل قبول محاکم نیست.

وکلا جمهوری اسلامی در دفاع از موکل خود موفقیتی نداشته اند؛ علت آن است که اولاً جمهوری اسلامی در اصل دعوا شرکت نکرده بود (علاقمدان به تحریر ۱۴/۲۰۱۶/۴/۱۹ رجوع فرمایند) و زیر خارجه جمهوری اسلامی به عبارت «ما دادگاه را قبول نداریم و اگر اقدامی علیه ما بشود تلافی میکنیم» به اخطار دادگاه اعتنایی نکرد و بموازات آن یکی از نمایندگان مجلس اسلامی پیشنهاد کرد که در مقابل دعوت دادگاه تنگه هرگز بروی کشتی های آمریکایی بسته شود و امثال آن، دادگاه این قبیل اظهارات را بجای دفاع حقوقی قرینه ای بر توجه جرم به جمهوری اسلامی گرفت. دقت کنید؛ وزیر خارجه جمهوری اسلامی تکذیب ادعا نکرد بلکه اعتناء به دادگاه نیویورک ننمود.

*** دفاع وکلا جمهوری اسلامی با اعتراف رئیس بنیاد علوی نمیتوانست در حدی واجد اعتبار گردد که بتواند مسیر تشخیص دادگاه و هیئت منصفه را سد کند؛ چرا که ثابت شد که بنیاد علوی یک دستگاه وابسته به دولت جمهوری اسلامی و بانک ملی است و لهذا میتواند مشمول قانون تحریم آمریکا باشد خاصه اعتراف رئیس بنیاد و اقدام او به از بین بردن اسناد جرم.

*** در تحریر تصمیم دادگاه مبنی بر فروش آسمانخراش بنیاد پهلوی مورخ ۱۴/۲۰۱۶/۴/۱۹ اشاره شد که: آسمانخراش مورد بحث نه متعلق به جمهوری اسلامی است و نه متعلق به شخص دیگری آسمانخراش مزبور دارائی بنیاد پهلوی بوده که طبق قانون ایران وقف امور مشخص شده و این وقف در کشور آمریکا هم بثبت رسیده است و چون بنیاد ها از پرداخت مالیات معافند زیر کنترل وزارت دارائی آمریکا هم قرار دارند؛ بنا بر این آسمانخراش مزبور ملک وقف است که هم طبق قانون ایران و هم قوانین آمریکا ملک آزاد نیست که قابل توقیف باشد؛ و موضوع وقف هم (ترویج مطالعات ایرانی و اسلامی و همچنین کمک به مدارس و کلینیک های رایگان بوده است) یعنی نسل بعد نسل حق دارند که از درآمد ان موقوفه استفاده کنند، و اگر دولت آمریکا مدعی است که در بنیاد مزبور که بتصرف غاصبانه بنیاد مستضعفین در آمده و نام بنیاد علوی بر آن نهاده شده اقداماتی خلاف موضوع وقف انجام میشود، میتواند به اعتبار آنکه مال وقف است دخالت حقوقی بنماید نه اینکه مصادره کند.

این مهم ولو اینکه مورد قبول دادگاه آمریکا نمیگرفت ولی با احتیاط اینکه حتی یک درصد احتمال ورود به موضوع ممکن بوده است نمیبایستی کوتاهی میشد و لازمه این دخالت هم جمهوری اسلامی نبود همه ایرانیان خاصه کسانی که در جریان فعالیت بنیاد پهلوی حضور و آگاهی داشته اند تکلیف داشتند که این مراتب را به دادستان کل نیویورک اعلام میکردند که متأسفانه اعتنایی به آن تحریر نشد

۲- مشکل دریافت یول نفت و پتروشیمی

بنابراین اعلام سخنگوی وزارت نفت جمهوری اسلامی برگشت پولهای فروش نفت و محصولات پتروشیمی جمهوری اسلامی به چین با مشکلاتی روبرو شده است.

مشکلات مزبور کمترممکن است در رابطه با تحریم های آمریکا باشد و بنظر میرسد ارتباط مستقیم با گروه اقدام مالی TAFT دارد که جمهوری اسلامی و چین هم عضو آنند و آن گروه تکلیف دارد که جریان های منجر به پولشویی و خاصه کمک مالی به واحد های تروریستی را مختل و متوقف سازد.

(در تاریخ ۱۹/۹/۲۰۱۶ تحریری تحت عنوان <رابطه قرارداد TAFT با ۲۵ سال راستی آزمایی دربرجام> تقدیم شده است که میتواند به علاقمندان تحریر حاضر کمک باشد ۳)

حکومت چین که روابط مالی بسیار گسترده ای با آمریکا دارد و نمیخواهد گرفتار تحریم های وابسته به گروه اقدام مالی بشود ناچار گردیده که در روابط مالی خود با جمهوری اسلامی رویه احتیاط را پیش گرفته تا جمهوری اسلامی اقدامات لازم را برای خروج خود از دایره نگرانی گروه اقدام مالی فراهم سازد.

از یاد نبریم که همین روزها وزارت خزانه داری آمریکا تحریم هائی را علیه یکی از بانکهای بزرگ چین که سبب انتقالات پولی به کره شمالی شده بود بکار بست.

دستآورد

✻✻ بنظر این تحریرمادامی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصلاحات لازم که موقعیت فعلی آن جمهوری را در حمایت از سازمان های تروریستی تغییر ندهد نمیتواند عضو اصیل و راستکار قرارداد گروه اقدام مالی TAFT بشود.

باید دانست که جمهوری اسلامی منکر کمک به سازمان های که در لیست تروریستی ثبت نام شده اند نیست بلکه مدعی است که آن گروه ها مانند حزب الله گروه تروریستی نیستند، این ادعا بدان جهت مقبول رسیدگی قرار نگرفته که مدعی علیه، که حزب الله لبنان است، شاکای از تصمیم شناسائی حزب الله به سازمان تروریستی نشده است بلکه جمهوری اسلامی ادعائی را طرح کرده که باید از جانب حزب الله و یا حماس طرح میشد.

✻✻ همانطور که در تحریر مربوط به TAFT در گذشته توضیح شد؛ ممکن است در کوتاه مدت TAFT

چندان مهم بنظر نرسد ولی در بلند مدت به سختی گردش پولی کشورها را تحت کنترل خواهد داشت و کشورهای یاری دهنده به سازمان های تروریستی و یا انتقال پولهای چرکین با مشکلات و رسوائی های غیرقابل پیش بینی مواجه خواهند شد و البته مشکلات مزبور متوجه کشورهای است که در منطق حقوقی اداره میشوند نه جمهوری اسلامی که اساسا یک فرقه تبهکار است نه یک کشور برمعیارهای حقوقی.